

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ!

ناظر کل اخوان المسلمین سودان، اسلام را گزینهٔ اختیاری می‌داند!

(ترجمه)

ناظر کل اخوان المسلمین سودان در مصاحبهٔ خود با سایت نیلین، گفت: «اگر ملت سودان توافق نمایند که بر مبنای سیکولاریزم حکومت گردد، من به عنوان یک تن از مردم، مشکلی ندارم. شاید نخواهم که سیکولاریزم بر آنان تحمیل گردد و هم‌چنان نمی‌خواهم که اسلام نیز بر مردم تحمیل گردد. آزادی در همه چیزها... الله مردم را آزاد خلق نموده است، پروردگار ما می‌فرماید:

﴿أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ﴾ [یونس: 99]

ترجمه: آیا تو (ای پیامبر!) می‌خواهی مردمان را مجبور سازی که ایمان بیاورند؟

و می‌فرماید:

﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ﴾ [البقره: 256]

ترجمه: اجبار و اکراه در (قبول) دین نیست.

در همین سطح، کسی نمی‌تواند مرا مجبور به قبول سیکولاریزم نماید و نمی‌خواهم اسلامی را که من به آن من حیث نظام شامل و کامل زندگی ایمان دارم، بر تو تحمیل نمایم. (سایت نیلین، جمعه 21 فیروری 2020 م.)

در آغاز می‌خواهم به این اشاره نمایم، دلایل شرعی را که ناظر کل اخوان المسلمین ارایه نموده است، به جواز حکومت‌داری بر مبنای سیکولاریزم هیچ ربطی ندارد؛ زیرا موضوع هر دو آیت مذکور، ایمان است که بر هیچ‌کسی تحمیل نمی‌گردد (هیچ‌کسی به قبول آن مجبور نمی‌گردد).

اما حکومت‌داری بر مبنای اسلام؛ حتی عوام مردم فرضیت آن را می‌دانند؛ زیرا طوری که به همه معلوم است دین -حکم به اسلام- را لازمی گردانیده است.

بر مبنای اسلام، اعمال خیریه و عبادات اعضای یک گروه، نمی‌توان به آن گروه صفت «گروه اسلامی صحیح و درست» را اطلاق نمود؛ بلکه باید طبق اسلامی که یک حرکت، هنگام رسیدن به کرسی قدرت، تطبیق آن را می‌خواهند، آن گروه را درست و صحیح بشماریم. سیکولاریزم افکاری را که به دین ارتباط دارد از سیاست و حکومت‌داری جدا می‌سازد؛ یعنی جدایی دین از سیاست است و این که باید رأی/دیدگاه اکثریت، مورد احترام قرار گیرد، گرچند مخالف افکار و عقائد فرد بوده باشد. این که به سیادت/حاکمیت

ملت ارج گذاشته شود، این دموکراسی است. سیکولاریزم و ارج گذاری به آزادی‌های شخصی و سیادت مردم طبق این نظریه، دولت مدنی/سیکولاریستی است.

کار کردن به خاطر تطبیق شریعت الله سبحانه و تعالی به دلیل این که «اصل ثابت شده» است، باید برای همیشه سرمشق و هدف نهایی باقی بماند و نباید هیچ گروه اسلامی مبدئی/ایدیولوژیک از آن عدول کند؛ زیرا حکم نمودن و حکومت داری و حکم خواستن؛ فقط بر اساس آن چه که الله سبحانه و تعالی نازل کرده است، جواز دارد. بنابراین، باید هدف گروه اسلامی ایدئولوژیک از سرگیری زندگی اسلامی، تطبیق اسلام، حمل دعوت اسلامی به جهانیان و ثابت قدم بودن بر فکر جامع اسلامی و درک نمودن آن طبق معیارهای انحصاری شریعت و احکام آن، باشد. این هدف متحقق نمی‌گردد؛ مگر با دولت اسلامی که اسلام را در دستور و قانون واجب گرداند و هیچ زمینه برای سیکولاریزم وجود ندارد که با الله سبحانه و تعالی در حکمروایی منازعه نماید؛ زیرا حاکمیت الله با دلائل قطعی ثابت است. این دولت، اسلام را در تمام موارد داخلی مورد تطبیق قرار می‌دهد و اسلام را با دعوت و جهاد به جهانیان حمل می‌کند. بدون شک، تطبیق اسلام طوری که ناظر کل اخوان المسلمین -سودان- آن را گزینه‌ای میان چندین گزینه، اختیاری گفته است، اختیاری نیست؛ بلکه تطبیق اسلام همان قضیه سرنوشت‌ساز برای تمامی مسلمانان است که رب‌العزت آن را فرض گردانیده و بر تمام گروه‌های اسلامی واجب گردانیده است که آن را هدف خود قرار داده و برای رسیدن به آن، با پای بندی به طریقه‌ای که رسول الله صلی الله علیه و سلم برای برپایی اولین دولت در مدینه منوره آن را پیموده است، تلاش به خرج دهند.

اما این که ناظر کل اخوان المسلمین با استناد به مبدأ/ایدیولوژی، آزادی بگوید که مسلمانان در انتخاب نمودن میان تطبیق اسلام و عدم تطبیق آن آزاد هستند، این تحریف حقائق و ادعای نادرست است و هیچ عرصه تطبیق ندارد؛ زیرا مبدأ آزادی‌ها در کلیات و جزئیات با اسلام در تناقض قرار دارد. آنانی که به آزادی استناد می‌کنند کسانی هستند که غرب آنان را «اسلام‌گراهای معتدل» نامیده‌اند، آنان را حرکت «اسلام معتدل» می‌شمارند، آن‌ها از «دموکراسی اسلامی» سخن می‌زنند و دوست دارند با احزاب مسیحی دموکرات کشورهای غربی مشابهت داشته باشند، بی‌خبر از این که این کارشان به اسلام هیچ ربطی نداشته؛ بلکه جدایی دین از زندگی است!

این گروه از منحرف شدن از راه حق و حرکت در راه گمراهی و دموکراسی با وجود روند طولانی که با شدت نوسان و تغییرات، متمایز است، درس عبرت نمی‌گیرند. غوطه‌ور شدن‌شان در تجربه سیاسی و اشتراک ورزیدن سیکولرها برای حکم نمودن، نتیجه عملیاتی است که مکرراً برای رام کردن آن‌ها به راه انداخته شده است، که غربی‌ها توانستند ادبیات‌شان را از مفاهیم سید قطب رحمه‌الله علیه پیرامون اسلام و جاهلیت، به آرامش و متارکه جنگ با سیکولاریزم و دموکراسی؛ سپس به آرام نمودن حرکتی که خواستار تطبیق شریعت بودند، به حرکت نمودن در عقب دموکراسی، تغییر بدهند؛ حتی یک تن از مناظره‌کنندگان‌شان گفته است: "آزادی، مقدمه شریعت است." راشد الغنوشی گفت: «شریعت امروزی (سال 2012م) منبع اختلافات تونس‌هاست، باید آن را کنار گذاشت، گمان برده است که دموکراسی، تونس‌ها را متحد می‌سازد؛ سپس گفته: «باید انتخابات 2019م صورت گیرد؛ زیرا آن به مثابه به دست آوردن سند فراغت دموکراسی برای ما است.»

دست برداشتن این اسلام‌گراها از نظام‌های سیاسی و اقتصادی و بخش زیادی از نظام اجتماعی اسلام و سائر قوانین و مفاهیم مرتبط با اسلام، ثابت گردیده است و بلند نمودن شعار اسلام توسط آن‌ها بی‌مفهوم گردیده است؛ زیرا به کرسی حکومت رسیدند اما اسلام با آن‌ها در آن سرزمین به حکومت نرسید و ناگواری بر دعوت و دلیلی بر متنفر شدن مردم از دعوت نیز هستند؛ سپس ثابت ساختند که این‌ها در حکومت‌داری، سیکولارتر از سیکولارها هستند. طبیعی بود که به طور حقارت‌آمیز، ناکام بمانند؛ زیرا در حقیقت کار آن‌ها جز از سرگیری تقلید و کاپی‌گیری نظام‌های غربی سیکولاریستی به لباس و رنگ اسلامی و نرم‌تر شده با تبنی بعضی شعارهای خشک تطبیق اسلام، چیزی دیگری نیست.

از این جاست که سخن دور و دراز و ضخیم سیکولارها از ناکامی اسلام در حکومت‌داری، نتیجه ناکامی نظام قبلی سودان (که اسلامی جلوه داده شده) و از رحم اخوان المسلمین به در آمده بود، سخن تزویر و جعلی است؛ زیرا حرکات اسلامی که مبدأ/ایدئولوژی آزادی‌ها را تبنی می‌کنند، نمایندگی از اسلام نمی‌کند و نه از اسلام شمرده می‌شود؛ بلکه به طور آشکار اسلام را با بیانیات؛ هم‌چون: بیانیه ناظر کل اخوان المسلمین سودان که عبای اسلام را از تن در آورده تا که برای یک مشت سیکولاریست‌های که بر حکومت مسلط هستند، ثابت کند که تغییر کرده و فعلاً «افراطی» نیست؛ نه اسلام را حمل می‌کند و نه پروژه اسلام را، رها کرده‌اند. هرگاه این گروه‌ها به حکومت برسند، نظام‌ها و قوانین موجوده را تغییر نداده؛ بلکه طبق آن حرکت کرده و به دستور سیکولاریستی کنونی حکم می‌کنند؛ یعنی به کفر حکم می‌کنند. از مصر آغاز تا غزه، تونس، المغرب (مراکش)، اردن، عراق، یمن و غیره. تمامی شان هرگاه به کرسی حکومت و مجلس‌های پارلمانی رسیدند، از جریان‌های سیکولاریستی تفاوتی نکردند؛ چون جریان‌های مذکور، پروژه سیاسی برای حکومت‌داری ندارند.

پس چرا سیکولاریست‌ها ناکامی را به اسلام منسوب می‌نمایند؟ حقیقت این است که ناکامی در تلاش به اسلامی جلوه دادن سیکولاریزم است و در خلط اسلام با دموکراسی؛ بلکه هر شخصی که پژوهش کند در می‌یابد که ناکامی در پای‌بندی به دموکراسی است هر جا که باشد. بعد از ناکامی فکری در مبارزه با اسلام و افکار آن، غرب به آرایه مثال‌های نادرست از اسلام، پناه بردند و می‌گویند که اسلام به حکومت رسید؛ اما ناکام گردید و تلاش برای حاکمیت اسلام بی‌ثمر است. زیرا اسلام به حکومت نرسیده و نظام‌های آن تطبیق نگردیده است؛ به حکومت نرسید؛ مگر چند تن محدودی که اسلام‌گرا محسوب می‌گردیدند؛ سپس روی گردانیدند و فراتر از این، آنان به آن‌چه که با الله و مسلمین تعهد کرده بودند، حکم نکردند و برنامه‌های نیروهای غربی مسلط بر فضای سیاسی سودان را تطبیق نمودند. کسی که مفکوره آزادی‌های دموکراسی را تبنی کرده و پشت خود را طرف اسلام می‌گرداند؛ مانند: قماربازان ناکام و مفلسی هستند که می‌خواهند بازی کنند، گرو کنند؛ اما هیچ چیزی ندارد، هیچ چیزی ندارد؛ مگر فریب‌دهی و جعل بازی. شاید به بازی ادامه دهند؛ چون ایشان دعوت‌شان را ضمانت اساسی نیروهای غربی استعمارگر قرار داده‌اند.

با وجود تمامی تنازلات و کوتاه آمدن حرکات از مبدأشان، غرب همواره بر رسیدن «اسلام‌گراها» از طریق زنجیره دموکراسی به قدرت، حساب می‌کنند. از این رو امکان می‌رود که دوستی را به دشمنی تبدیل نمایند، امکان دارد اگر به قدرت رسیدند و عقیده اسلامی در درون آن‌ها به حرکت بی‌افتد، یا پیروان‌شان حرکت کنند و بالای‌شان فشار بیاورند تا اسلام را تطبیق کنند. بنابراین، رسیدن‌شان به حکومت‌داری به طریق غربی که بر حل وسط سیاسی در سرزمین‌های اسلامی تسلط دارد، مفکوره ناخوش‌آیند می‌گردد؛ بناءً

غرب از گشودن زمینه قدرت‌مندسازی اسلام‌گراها - گرچند بعد از معتدل‌سازی‌شان باشد- به اریکه قدرت، بیم پیدا کرده‌اند؛ حتی مراکز پژوهش‌های استراتژیک، مکرراً توصیه نموده‌اند که از طریق «گشودن راه» برای اسلام‌گراهای معتدل، «سد راه» در مقابل رسیدن اسلام ناب در حکومت‌داری با تطبیق خلافت، گردند.

اسلام‌گراهای معتدل نمی‌فهمند و عبرت نمی‌گیرند؛ بلکه آنان به کوتاه آمدن از تطبیق اسلام راضی گردیده‌اند و اسلام را از سیاست جدا ساخته‌اند! برای‌شان می‌گوییم اگر از افکارتان دست بردارید و اعلام دارید؛ -چنان‌چه اعلام نموده‌اید- که دموکراسی غربی را تبنی نموده و حتی اگر در تشریح -قانون‌سازی- به غیر از الله، مشارکت و ورزید و احکام و نظام‌های اسلام را از برنامه‌های‌تان دور سازید، غرب و پیروان‌شان از شما راضی نمی‌گردند؛ حتی اگر شما پوست خود را در بیاورید، شما را نمی‌شناسند و نمی‌پذیرند، الله متعال فرموده است:

﴿وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ﴾ [البقره: 120]

ترجمه: یهودیان و مسیحیان هرگز از تو خوشنود نخواهند شد، مگر این‌که از آئین (تحریف شده و از خواسته‌های نادرست) ایشان پیروی کنی.

شرط اساسی هر گروه اسلامی این است که عقیده اسلامی، اساس و معیار تمام اعمال و سخنان‌شان باشد و آن گروه باید مبنی بر این قول الله سبحانه و تعالی بنا شده باشد:

﴿وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [آل عمران: 104]

ترجمه: باید از میان شما گروهی باشند که دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و آنان خود رستگازند.

اما ناظر کل اخوان المسلمین سودان برای گروه خود، حرکت در منظومه دموکراسی را انتخاب نموده است که به ایدیولوژی آزادی‌ها ارج می‌گذارد، آن‌چه که اگر ملت آن را انتخاب نماید، به معنای جدایی دین از زندگی است، اذهان و افکار آن مردم از مسأله نظام، تشریح و رهبری سیاسی که به معنای سرپرستی عام و تام جامعه است، عاری‌اند.

با تأکید می‌توان گفت، بدون داشتن مفکوره اساسی حکم و حکومت‌داری، رهبری هیچ امت امکان پذیر نبوده و نمی‌تواند خود را سرپرست امت بخواند. این چیزی است که گروه‌هایی را که اسلام و یا سیکولاریزم را حمل می‌نماید و یا گروه‌هایی را که اشتراکیت/کمونیسم را به عنوان مفکوره حکومت‌داری حمل می‌نمودند، جدا می‌کند. خلاصه، جریان‌هایی که به دنبال حکومت‌داری است باید یک مفکوره برای حکومت‌داری و رهبری امت داشته باشد و بدون این مفکوره هیچ حرکت و جریان‌هایی نمی‌تواند امت را عملاً رهبری نماید.

نویسنده: استاد غاده عبدالجبار - ام اواب، خرطوم -

برای دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر

5 رجب 1441 هـ.ق.

29 فبروری 2020 م.

مترجم: حمزه پارسا